

به نام او

استناد و استناددهی

ارائه‌دهنده:

دکتر فیروزه زارع فراشبندی

آزمون شماره یک

۱. به مقاله در درست خود نگاه کنید.
۲. هر جا که فکر می کنید، رفرنسی از قلم افتاده است، شماره آن را اضافه کنید.

استناد

- فرایندی ذهنی و فرهنگی و در عین حال **عملی اجتماعی** است.
- از **مهمترین** اجزاء همه آثار تحقیقی و تألیفی است.
- **زایمن:** مقاله علمی به تنهایی وجود ندارد بلکه ساخته و پرداخته متون آن موضوع است. در وادی علم و تحقیق، **هیچ اثری قائم به ذات نیست** و هر مقاله در حلقه متون موضوعی پیش از خود محصور است.
- **گارفیلد:** هر جمله یک مقاله که به بررسی متون می پردازد، با **یک استناد** پشتیبانی میشود.
- **شیوه نامه شیکاگو:** هر اثری که داستان یا گزارش مبتنی بر تجربه‌های شخصی فرد نباشد، حداقل متکی بر بخشی از یک یا چند منبع است.
- **بنابراین:** طبق **قانون حق مؤلف** و **نیز اخلاق** بایستی مؤلفان و محققان به معرفی منابع و مستندات پی‌ریزی اثر تألیفی یا تحقیقی آنان نقش داشته‌اند.

تعریف استناد

- آیه، حدیث یا سخنی و مانند آن را **سند قرار دادن** و بدان تمسک جستن (فرهنگ معین)
- استناد به معنای مدرک و ملاک قرار دادن چیزی و آن را **پشتوانه عمل یا گفته خود** کردن است (فرهنگ بزرگ سخن، انوری)
- ذکر مطلبی به عنوان دلیل، مثال یا به منظور **حمایت** آن چه بیان شده است (واژه‌نامه آکسفورد)
- اشاره به سخن یا **سند پیشین** (حری، ۱۳۶۲)
- ارجاعات یک نویسنده به آثار پیشین مرتبط با موضوع نوشته‌اش (**دایره المعارف کنت**)
- ...

تاریخچه استناد

از آنجایی که هیچ کس **نمی‌تواند** به طور مستقل و بی نیاز از دانش تولید شده دیگران مبادرت به تولید دانش جدیدی کند، می‌توان گفت که بهره‌گیری از آثار دیگران برای تولید اثری جدید، **پیشینه‌ای به قدمت علم** دارد

و بنابراین:

تاریخچه استناد به این آثار نیز، **هم عمر تألیف** است.

استناد در جهان اسلام

- پیشینه استناد در اسلام مربوط به **روایت** است.
- روایت شعر شعرا جزء **نخستین** حرکات برای رسمیت بخشیدن به استناد بوده است.
- پس از ظهور اسلام، شاخه جدیدی از علم به نام **علم الحدیث** در قرن اول هجری شکل گرفت.
- در این علم، امر استناد یا اسناد به دلیل نقش حساسی که در انعکاس احادیث و سخن **معصومین** داشت از اهمیت خاصی برخوردار بود.
- در علم الحدیث، اسناد هر حدیث به زنجیره ناقلان (سلسله سند) **عنصر اساسی** تشخیص صحت و اعتبار احادیث شمرده میشد (حری، ۱۳۶۲).
- احتمالاً این علم، تنها حوزه‌ای است که به سبب طبیعت موضوعی‌اش، مسأله استناد را با دقت بررسی کرده و برای آن **قواعد و شرایطی** مقرر داشته است.
- پس از این علم، حلقه‌های درس و استناد به سخنان و **تقریرات کلاسی اساتید** در زمینه استناد در جهان اسلام مطرح است.
- از **قرن سوم**، به دلیل گسترش دانش و اخص‌گرایی، ضرورت ذکر نام اساتید کمرنگ‌تر شد و به جای آن نویسندگان **فهرست مآخذی** را که از آن‌ها در تألیف اثر خود استفاده کرده بودند، به کتاب افزودند (مانند معجم الادباء از یاقوت حموی).

استناد در غرب

- **دو سو لاپرایس:** ارجاعات به آثار پیشین از حدود ۱۸۵۰ م. در مجلات علمی ظاهر شده است.
- **اما شواهد** نشان می‌دهد که پیشینیان به ضرورت درج استنادها واقف بوده‌اند، به عنوان مثال:
- **هرودت** (قرن ۵ ق. م.) به بیتی از اودیسه هومر استناد کرده است،
- **پلینی** (۲۳ – ۷۹ م.) در مجموعه تاریخ طبیعی خود، مآخذی را که برای نوشتن کتاب خود از آنها استفاده کرده است، صادقانه نام برده است.

نتیجه آزمون شماره یک

۱. میانگین رفرنس های شما؟
۲. تعداد رفرنسهای واقعی مقاله؟

طبیعت رفتار استنادی

- ✓ گارفیلد در طی یک دوره ده ساله در دهه ۱۹۶۰ آزمون معروف به **آزمون گارفیلد** را بر روی دانشجویان خود انجام داد.
- ✓ وی مقاله‌ای از خود را که فاقد هر گونه استنادی بود به دانشجویان خود می‌داد و از آنها می‌خواست که در هر قسمت از مقاله که لازم می‌دانند، جای یک **رفرنس جا افتاده** را مشخص کنند.
- ✓ تعداد این استنادهای پیشنهادی بین ۱۵ تا ۷۴ بود که میانگین آنها رقم ۴۵ بود. این رقم به تعداد واقعی رفرنس‌های مقاله (۴۱) بسیار نزدیک بود.
- ✓ **نتیجه:** هرگز گمان نبرید که دیگران نمی‌فهمند که شما رفرنسی را حذف کرده‌اید یا بدان استناد نداده‌اید!!!

عوامل انگیزشی در رفتار استنادی

✓ **وینکلر** انگیزه‌های استناد به منابع مختلف را دو دسته می‌داند:

۱. **انگیزه‌های حرفه‌ای:** به ارتباط نویسنده استنادکننده و پژوهش وی مربوط است و به دلیل **تردید** در محتوای یک استناد یا به منظور **کسب اعتبار** صورت می‌گیرد. شامل:

۱. انگیزش‌های **مستندسازی:** مروری بر متون مربوط به موضوع

۲. انگیزش‌های **کاربردی:** استناد با هدف ارائه بخشی از اثر یا همه آن

۳. انگیزش‌های **تأییدی:** استناد با هدف تأیید نتایج پژوهش خود

۲. **انگیزه‌های پیوندی:** از پیوند میان نویسنده استنادکننده با نویسندگان استنادشونده نشأت می‌گیرد. همه عوامل شخصی، اجتماعی یا محیطی در آن نقش دارند.

دلایل استناد

۱. تجلیل از پیشکسوتان
۲. اعتبار بخشی به آثار مرتبط (تجلیل از همکاران)
۳. شناسایی روش و ابزار پژوهش و جز آن
۴. ارائه زمینه‌های مطالعاتی
۵. اصلاح اثر خود
۶. اصلاح اثر دیگران
۷. نقد آثار پیشین
۸. اثبات ادعا
۹. آگاه‌سازی محققان از آثار در دست انتشار
۱۰. هدایت مخاطبان به آثاری که نمایه نشده‌اند یا به شکلی مطلوب منتشر نشده‌اند
۱۱. سندیت بخشی به داده‌ها و مقوله‌های مسلم
۲۱. رسمیت بخشی به آثار بنیادی که در آن‌ها اندیشه یا مفهومی بدیع مورد بحث قرار گرفته است
۳۱. شناسایی آثار بنیادی که به تبیین مفاهیمی چون بیماری هوچکین و ... مبادرت کرده‌اند.
۴۱. انکار آثار یا اندیشه‌های دیگران (دعاوی منفی)
۵۱. منازعه با دعاوی دیگران (تجلیل منفی)

کاربرد استناد

۱. تحلیل استنادی و نمایه استنادی
۲. پیگیری خط سیر و تحول یک اندیشه در طول زمان
۳. رعایت حق مالکیت معنوی پدیدآورندگان
۴. تمیز اندیشه‌ها و یافته‌های حاصل از اندیشه‌ها و اطلاعات وام گرفته از آثار دیگران
۵. هدایت مخاطب به سرچشمه اصلی اندیشه‌ها و اطلاعات
۶. ارزیابی افراد، سازمانها، مؤسسات و ...
۷. ...

آسیب شناسی استناد

۱. خطاهای محتوایی
۲. خطاهای صوری

خطاهای محتوایی

۱. ذکر نکردن منبع به قصد **سرقت ادبی**
۲. ذکر نکردن **منبع واسط** و استناد به منبع اصلی بدون مراجعه به آن (حذف حلقه واسط استناد)
۳. **انتقال اشتباهات** استنادی موجود در منابع واسط به زنجیره‌های بعدی استناد به دلیل عدم مراجعه به منبع اصلی
۴. استناد به منبعی بدون مراجعه به آن و حتی در مواردی **بدون وجود خارجی** (به ویژه در مورد منابع به زبان خارجی)
۵. استناد **کذب** به افراد موثق
۶. **جعل داده‌ها** و اطلاعات یک سند
۷. نادیده گرفتن و **پنهان کردن** اطلاعات یک سند
۸. **عدم اشراف** به موضوع مورد استناد
۹. **عدم تسلط کافی** به متن مورد استناد از نظر لفظی یا محتوایی
۱۰. **عدم تسلط بر مهارت‌های نوشتاری** یا فقدان قدرت بیان
۱۱. **ناتوانی در بازگویی صحیح** و موجز اطلاعات متراکم مآخذ
۲۱. **عدم تشخیص زمان صحیح** استناد
۳۱. **عدم تشخیص جایگاه صحیح** استناد
۴۱. **عدم توانایی در بهره‌گیری به جا** و مناسب از شکل‌های مختلف استناد (مانند نقل قول مستقیم و غیرمستقیم)

خطاهای صوری

خواسته یا ناخواسته در اطلاعات کتابشناختی سند یا در متن یا فهرست مآخذ و پانویس‌ها رخ می‌دهند. مانند:

۱. خطاهای مربوط به استناد در متن (مربوط به جایگاه استناد یا شماره استناد)

۲. خطاهای مربوط به سطوح توصیف که شامل حذف عمدی یا سهوی یک یا چند سطح توصیف مانند عنوان، نام نویسنده و ... می‌شود.

۳. خطاهای مربوط به علائم سجاوندی هر فیلد و منطقه.

۴. خطاهای مربوط به ترتیب حضور منابع در فهرست مآخذ.

از توجه و همراهی شما
سپاسگزارم.

